

The Addressee of the Descent of Angels and the Spirit on the Night of Qadr: A Comparative Analysis of the "Wilāī-Tadbīrī" Approach in Shī'a Exegeses and the "Ibādī-Barakātī" Approach in Sunnī Exegeses

Saeideh Nekonam / Ph.D. Candidate in Teaching Theoretical Foundations, University of Qom, Qom, Iran
s.nekonam@stu.qom.ac.ir

 **Sid Mohsen Sharifi**  / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran
mohsen.sharifi@qom.ac.ir

Received: 2026/04/07 - **Accepted:** 2026/06/28

Abstract

The descent of angels and the Spirit (rūḥ) on the Night of Qadr (Laylat al-Qadr) represents one of the Quran's key teachings concerning the divine system of guidance. The central question of this research is to determine the worthy addressee of this descent through a comparative approach grounded in the theological foundations of Shī'a and Sunnī traditions. This article, by proposing an analytical framework and employing a conceptual analysis of the verses along with a comparative examination of the views of prominent exegetes from both schools, seeks to identify the addressee of the descent. The principal hypothesis is that the divergence in interpretations is rooted in two distinct models: the "wilāī-tadbīrī" (guardianship-governance) model in Shī'a exegeses, which regards the descent as pertaining to the cosmic governance (tadbīr takwīnī) of the universe and thus necessitating an infallible addressee; and the "ibādī-barakātī" (devotional-blessing) model in Sunnī exegeses, which views the descent as honorary and mercy-oriented, encompassing all righteous believers. The findings indicate that the question of the addressee of the descent is directly linked to the theological foundations of the two schools, particularly the doctrines of imamate and infallibility (iṣma) in Shī'ism, and that without attention to this foundation, a comprehensive understanding of the descent of angels and the Spirit remains unattainable.

Keywords: Night of Qadr, descent of angels, Spirit (rūḥ), Imam al-Zamān, Shī'a exegeses, Sunnī exegeses, worthy addressee.

نوع مقاله: پژوهشی

مخاطب نزول ملائکه و روح در شب قدر؛ تحلیل تطبیقی رویکرد «ولایی - تدبیری» در تفاسیر شیعه و «عبادی - برکتی» در تفاسیر اهل سنت

s.nekonam@stu.qom.ac.ir
mohsen.sharifi@qom.ac.ir

سعیده نکونام / دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری دانشگاه قم، قم، ایران
سیدمحسن شریفی  / استادیار گروه معارف دانشگاه قم، قم، ایران
دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

چکیده

نزول ملائکه و روح در شب قدر از آموزه‌های کلیدی قرآن درباره نظام هدایت الهی است. پرسش اصلی پژوهش، تعیین مخاطب شایسته این نزول با رویکردی تطبیقی و مبتنی بر مبانی کلامی شیعه و اهل سنت است. این مقاله با طرح چهارچوبی تحلیلی و روش تحلیل مفهومی آیات و بررسی تطبیقی آرای مفسران برجسته دو مذهب، به تعیین مخاطب نزول می‌پردازد. فرضیه اصلی آن است که اختلاف تفاسیر، در دو مدل متمایز ریشه دارد: مدل ولایی - تدبیری در تفاسیر شیعه که نزول را ناظر به تدبیر تکوینی عالم و مستلزم وجود مخاطبی معصوم می‌داند؛ و مدل عبادی - برکتی در تفاسیر اهل سنت که نزول را تشریفی و رحمت‌محور تلقی می‌کند و آن را شامل عموم مؤمنان صالح می‌شمارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئله مخاطب نزول مستقیماً با مبانی کلامی دو مذهب، به‌ویژه آموزه‌های امامت و عصمت در تشیع پیوند دارد و بدون توجه به این مبنا، فهم جامعی از نزول ملائکه و روح ممکن نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: شب قدر، نزول ملائکه، روح، امام زمان ، تفاسیر شیعه، تفاسیر اهل سنت، مخاطب شایسته.

شب قدر در قرآن کریم به عنوان شبی ممتاز و سرنوشت ساز معرفی شده است که در آن، نوعی ارتباط ویژه میان عالم غیب و عالم شهادت برقرار می گردد: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر: ۴). این آیه افزون بر بیان عظمت شب قدر، از نزولی سخن می گوید که با «امر» الهی پیوند خورده و از حیث زمان، ماهیت و کارکرد، واجد اهمیت تفسیری و کلامی است. باین حال یکی از پرسش های بنیادین در تفسیر این آیه، مسئله «مخاطب نزول» است؛ پرسشی که پاسخ به آن تأثیر مستقیمی بر فهم ماهیت نزول ملائکه و روح خواهد داشت.

بررسی منابع تفسیری نشان می دهد که مفسران شیعه و اهل سنت، هرچند در اصل وقوع نزول ملائکه و روح در شب قدر هم نظرند، در تبیین چگونگی این نزول، معنای «امر» و به ویژه تعیین مخاطب آن، دیدگاه های متفاوتی ارائه کرده اند. در برخی تفاسیر شیعی، نزول شب قدر با مفاهیمی چون تدبیر امور عالم، استمرار هدایت الهی و پیوند آن با ولایت الهی تفسیر شده است؛ در حالی که در بخش قابل توجهی از تفاسیر اهل سنت، این نزول بیشتر به عنوان رویدادی عبادی، برکت آمیز و ناظر به عموم مؤمنان شب زنده دار تلقی شده است. این تفاوت در تلقی، پرسش درباره مبانی نظری و کلامی این برداشت ها را برجسته می سازد.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می دهد که مسئله نزول ملائکه و روح در شب قدر، از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله «واکاوی مصداق سورة قدر در روایات تفسیری فریقین» (قمرزاده و شفیع، ۱۴۰۱) با رویکردی روایت محور، به شناسایی مصادیق محور نزول در شب قدر پرداخته و با تکیه بر داده های روایی، بر نقش حجت الهی در این فرایند تأکید کرده است. همچنین پژوهش «استمرار حجت حی از منظر قرآن» (مؤیدی، ۱۳۹۷) با رویکردی قرآنی - کلامی، اصل ضرورت تداوم حجت الهی در همه اعصار را از مجموعه ای از آیات استخراج و تحلیل کرده است. در کنار این آثار، مقاله «گستره زمانی و محل نزول ملائکه و روح در شب قدر در تفاسیر فریقین» (تجری و رحیمی پور، ۱۴۰۳) با رویکردی تطبیقی، به بررسی دو محور زمان و مکان نزول پرداخته و داده های تفسیری گسترده ای را گردآوری کرده است.

با وجود ارزشمندی این پژوهش ها، بررسی ها نشان می دهد که مسئله «مخاطب نزول ملائکه و روح» کمتر به صورت مستقل، مسئله محور و با تمرکز بر مبانی تفسیری و کلامی دو مکتب تحلیل شده است. در بسیاری از مطالعات، اختلاف دیدگاه ها بیشتر به صورت توصیفی گزارش شده و ریشه های نظری این تفاوت ها به طور منسجم واکاوی نشده است. از این رو خلأ اصلی پژوهش حاضر، فقدان تحلیلی تطبیقی است که نشان دهد اختلاف تفاسیر در این مسئله، صرفاً اختلاف در مصداق یا تعبیر لفظی نیست؛ بلکه ناشی از دو الگوی متمایز در فهم نزول و نظام هدایت الهی است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - تطبیقی در پی پاسخ به این پرسش است که نزول ملائکه و

روح در شب قدر، بر اساس مبانی قرآنی و تفسیری، مستلزم چه نوع مخاطبی است و چرا تفاسیر شیعه و اهل سنت در پاسخ به این پرسش به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. در این راستا، مقاله ابتدا دو رویکرد تفسیری «ولایی - تدبیری» در تفاسیر شیعه و «عبادی - برکتی» در تفاسیر اهل سنت را تبیین و تحلیل می‌کند و سپس با مقایسه این دو الگو، ریشه‌های کلامی و معرفتی اختلاف میان آنها را روشن می‌سازد. هدف نهایی، ارائه تبیینی منسجم از نزول ملائکه و روح در شب قدر و تبیین نقش پیش‌فرض‌های کلامی در شکل‌گیری فهم‌های متفاوت از این پدیده قرآنی است.

۱. رویکرد ولایی - تدبیری نزول در تفاسیر شیعه

ماهیت نزول ملائکه و روح در شب قدر، از منظر تفاسیر شیعه، به‌طرزی بنیادین با نظام ولایت تکوینی و حکمت تدبیر الهی گره خورده است. در این دیدگاه، نزول فرشتگان صرفاً یک رخداد تشریفاتی یا انتقال پیام‌های محدود نیست؛ بلکه تجلی ارتباط دائم ملکوت با زمین از طریق مخاطبی معصوم و حجت خداوند است که به‌عنوان واسطه فیض و مدبر امور هستی عمل می‌کند. از این رو مصداق مخاطب در عصر حاضر، تنها امام زمان علیه السلام است که به‌عنوان «قطب عالم امکان»، ظرف نزول این امور تکوینی قرار می‌گیرد. این ادعا با سه دسته ادله پشتیبانی می‌شود: ادله لفظی، مانند دلالت حرف «مِن» در «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» بر علیت و هدفمندی نزول؛ ادله روایی، همچون حدیث «لَوْ لَا مَا عِندَ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۲۶۰)، که نشان‌دهنده نقش محوری اهل‌بیت علیهم السلام در نظام عبادت و توحید است؛ و ادله کلامی که بر ضرورت تداوم حجت الهی در همه اعصار برای استمرار نظام آفرینش تأکید دارند. بر پایه این استدلال‌ها، نزول ملائکه و روح بدون در نظر گرفتن شأن ولایی امام، تحلیلی ناقص و ناسازگار با منطق قرآنی خواهد بود. بررسی این مدعا که «تَنْزَلُ ملائکه مستلزم مخاطبی معصوم است»، بر تحلیل هدفمندی نزول و شروط شایستگی در دریافت «أمر» الهی استوار است؛ موضوعی که زیربخش بعد به تفصیل به آن می‌پردازد.

۲. تحلیل هدفمندی نزول و مفهوم شایستگی مخاطب از منظر شیعه

مفسران برجسته شیعه همسو با آموزه‌های کلامی امامیه، نزول فرشتگان در شب قدر را به نظام ولایت و تدبیر الهی پیوند زده‌اند و آن را فراتر از یک رویداد زمانی یا فضیلت عبادی صرف تفسیر کرده‌اند. فعل مضارع «تَنْزَلُ» در آیه چهارم سوره قدر، بر فرود آمدن مستمر فرشتگان همراه با رغبت و میل درونی دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۹۷). افزون‌براین، تحلیل حرف «مِن» در «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» نشان می‌دهد که آنچه در شب قدر نازل می‌شود، صرفاً پیام یا الهام جزئی نیست؛ بلکه «أمر» به‌معنای حوادث و امور تکوینی جهان است و «مِن» به‌معنای لام تعلیل (برای خاطر) به کار رفته است. بر این اساس، نزول روح برای تدبیر و مدیریت امور عالم در سال آینده صورت می‌پذیرد (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۳۳۲). از همین رو، شب قدر ویژه زمان نزول قرآن یا عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه همه‌ساله تا پایان جهان تکرار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۸۴). در تبیینی دیگر تأکید شده است که استمرار نزول ملائکه و روح را باید از فعل مضارع «تَنْزَلُ» دریافت، نه از

نزول تاریخی قرآن. به این بیان، نزول قرآن در شب قدر به صورت مقطعی رخ داده است؛ اما نزول فرشتگان پیوسته و مستمر بوده و بر اساس حدیث نبوی تا روز قیامت ادامه دارد. باین حال این نزول بر بقاع زمین تحقق نمی پذیرد؛ بلکه تنها بر «قلب واع» فرود می آید؛ قلبی که شایستگی دریافت این نزول مهم سالانه را داشته باشد (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۱۹۸).

فرشتگان در شب قدر مقدرات سالانه الهی را همراه خود می آورند و به شخصیتی معصوم و کامل تقدیم می کنند؛ زیرا حمل و بازگرداندن این مقدرات بدون تحویل به مخاطبی شایسته، کاری عبث و بیهوده خواهد بود. این مخاطب در هر دوره انسان کامل معصومی است که ولایت کلیه امور به او سپرده شده است و در عصر حاضر، این مقام به امام زمان (عج) اختصاص دارد. بنابراین، سورة قدر نه تنها بیانگر عظمت شب نزول فرشتگان است، بلکه دلیلی استوار بر حقانیت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به شمار می رود (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۳۲۵-۳۴۰).

در نتیجه، نزول هدفمند شب قدر نظامی وجودشناختی است که بدون مخاطب معصوم (امام زمان ع) نقض غرض می شود. این دیدگاه، افزون بر تأیید با ادله قرآنی و روایی، از سازگاری درونی با نظام امامت در تفکر شیعی نیز برخوردار است.

۲-۱. حقیقت روح و شرایط وجودی دریافت آن

برای آشکار شدن مفهوم روح و تحلیل فرایند افاضه الهی بر شایستگی ویژه دریافت کننده آن، چهارچوب تکمیلی در تفسیر آیات دیگر ارائه می شود. ذیل آیه «يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (نحل: ۲) و آیه «رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر: ۱۵) تمایزی روشن میان روح و فرشتگان، از جمله جبرئیل، ترسیم شده است. روایتی که حویزی نقل می کند، مؤید این تفکیک است. هنگامی که پرسشگری از امیرالمؤمنین (ع) می پرسد: «آیا روح همان جبرئیل است؟» حضرت به صراحت پاسخ می دهند: جبرئیل از ملائکه است و روح غیر از اوست. آن حضرت در تأکید مبنی بر وحیانی بودن این تمایز، به آیه «يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ» استناد می کنند که در آن، روح در کنار فرشتگان و به عنوان موجودی متمایز ذکر شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۹).

روح حقیقتی مستقل و دارای حیات، علم و قدرت است که نه از مقوله صفات است و نه حالتی وابسته به موجود دیگر؛ بلکه از سنخ «امر» پروردگار است. این امر، که همان کلمه ایجادی الهی است، وجودی مجرد از ماده، زمان و مکان است و از سوی خداوند افاضه می شود (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۲، ص ۲۰۶). نزول این روح به عنوان مایه حیات و تربیت کننده نفوس و هدایتگر عقل ها، تنها بر کسانی از بندگان صورت می گیرد که خداوند بخواهد. این مشیت مبتنی بر حکمت است و در نتیجه، قرار دادن این موهبت، در فرد شایسته و دارای ظرفیت دریافت وحی و نبوت می باشد که مصداق روشن آن، پیامبر اکرم (ص) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۲-۱۵۴).

البته نزول ملائکه با روح، عام و فراگیر است و تنها محدود به انبیا نیست؛ بلکه اولیای الهی، معصومان علیهم‌السلام و حتی مؤمنان شایسته و مستعد را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، فرشتگان با مراتب مختلف بر افراد دارای درجات معنوی متفاوت نازل می‌شوند؛ به گونه‌ای که فرشتگان عالی‌مرتبه مانند جبرئیل بر انبیا و اولیای معصوم، و فرشتگان پایین‌تر بر مؤمنان عادی فرود می‌آیند. مخاطب این نزول مشمول مشیت حکیمانه الهی قرار می‌گیرد که مبتنی بر لیاقت، استعداد معنوی و صلاحیت افراد است. چنین فردی واجد ایمان راسخ، تقوای توحیدی و پایداری در اعتقادات است؛ چنان که آیه «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» بر آن تأکید دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۴۵، ص ۳۷۱-۳۷۵). این نکته قابل تأمل است که القای روح به شکل تجلی، تنها با شرط عصمت در دریافت‌کننده محقق می‌شود و این مقام از جنس علم وراثی و وابسته به مشیت خاص الهی است و از طریق تحصیل یا عبادت محض به دست نمی‌آید (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۱۶۱-۱۶۴). این مقام معنوی والایی است که به صورت کامل در پیامبران و امامان معصوم قرار دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۳).

بنابراین، دریافت و پذیرش روح - که حامل امر الهی است - به همراه ملائکه، نیازمند ظرف وجودی ممتاز و اعظم است که نه تنها درک عبادی داشته باشد، بلکه از پیوندی غیبی و هدایت الهی ویژه‌ای برخوردار باشد که مقصود کامل آن، پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام هستند.

۲-۲. معیارهای شایستگی مخاطب در تفاسیر شیعه: عصمت و صداقت

پس از تبیین ماهیت نزول به مثابه نزول تدبیرمحور و تحلیل حقیقت روح به عنوان حامل امر الهی، پرسش درباره شایستگی مخاطب نزول به صورت جدی و گریزناپذیر مطرح می‌شود. اگر آنچه در شب قدر نازل می‌گردد، امر الهی مرتبط با تدبیر و تقدیر امور عالم باشد، بدیهی است که این امر نیازمند ظرفی وجودی است که توان دریافت، حفظ و اجرای آن را داشته باشد. از این منظر، نزول ملائکه و روح را نمی‌توان پدیده‌ای صرفاً عمومی و فاقد مخاطب معین تلقی کرد. بر اساس این رویکرد، باید نوعی اهلیت وجودی برای دریافت و تدبیر امر الهی وجود داشته باشد؛ زیرا تحلیل مفهوم «امر» ناظر به سنخ خاصی از فعل الهی است که با ربوبیت پروردگار مرتبط باشد و تحقق آن نیازمند واسطه‌هایی شایسته است (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۴۳۸). در همین راستا، آیه «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر: ۱۵) نشان می‌دهد که القای روح و امر الهی امری انتخابی و مشروط به مشیت الهی و شایستگی خاص مخاطب است، نه پدیده‌ای عام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۳).

از منظر تحلیلی، مخاطب نزول روح القدس باید معصوم باشد؛ عصمتی که از قبیل علم است و اثرش تخلف‌ناپذیر، قطعی و دائمی است (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۱، ص ۱۶۲). در تبیین مفهوم عصمت، برخی پژوهش‌ها میان تقوا و عصمت هماهنگی قائل شده‌اند: تقوا نگه‌دارنده‌ای اکتسابی و ظاهری است؛ درحالی‌که عصمت بالاترین مرتبه نگه‌دارندگی درونی به شمار می‌رود که بر پایه باور و علم قطعی و مغلوب‌ناپذیر به حقیقت گناه و نتایج آن استوار است. از این رو «عصمت» صاحب خود را به طور تضمینی از وقوع گناه بازمی‌دارد (فاریاب، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴).

با توجه به این ویژگی، اگر مخاطب نزول فاقد چنین عصمتی باشد، نزول امر الهی با دو اشکال بنیادین روبه‌رو می‌شود: نخست امکان خطا در دریافت و فهم امر؛ و دوم امکان تحریف یا انحراف در اجرای آن. به همین دلیل، عصمت شرط منطقی و معرفتی دریافت امر الهی تلقی می‌شود و تضمین می‌کند که آنچه نازل می‌شود، بدون نقصان یا انحراف، در نظام هدایتی الهی جریان یابد. چنین ترکیبی از ویژگی‌ها، تنها در امام معصوم تحقق می‌یابد. از همین رو ادله عقلی و نقلی گواه بر آن است که اطاعت مطلق صرفاً از معصوم لازم است و اطاعت مطلق از غیر معصوم محذورات متعددی به دنبال دارد (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۹۵).

از دیدی دیگر، مخاطب نزول باید از «صادقین» باشد؛ چنان‌که خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹). صادقان کسانی‌اند که دارای ملکه صدق‌اند و هرگز با زبان، عقیده و عمل دروغ نمی‌گویند؛ کردارشان با عقیده و گفتارشان دوگانگی ندارد و به پیمان خود با خدا صادقانه وفا می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۴۵۰). منظور از همراهی با صادقان، همنشینی نیست؛ بلکه همگام بودن با آنان است. اگر کسی معصوم نباشد، آیا می‌توان بدون قید و شرط دستور پیروی و همگامی با او صادر کرد؟ این خود دلیلی است بر اینکه این گروه تنها امامان معصوم هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۲).

بر این اساس، شایستگی دریافت نزول الهی در شب قدر منوط به دو ویژگی بنیادین عصمت و صداقت مطلق است که به‌صورت ذاتی در وجود معصومان علیهم‌السلام تجلی یافته است. از آنجاکه نزول ملائکه و روح حامل امر تکوینی الهی است، مخاطب این نزول می‌بایست از یک‌سو دارای مصونیت ذاتی از خطا و نسیان باشد تا تضمین‌کننده حفظ و انتقال بدون تحریف این امور الهی شود؛ و از سوی دیگر واجد مقام صدق مطلق باشد تا تطابق کامل میان دریافت، بیان و اجرای این امور وجود داشته باشد. این دو ویژگی در کنار یکدیگر، ظرف وجودی کامل و شایسته‌ای را تشکیل می‌دهند که تنها در انسان کامل و معصوم تحقق می‌یابد. بنابراین، تفسیر نزول شب قدر به‌صورت عام و بدون در نظر گرفتن مخاطب معصوم، ناتمام و ناکارآمد خواهد بود؛ چراکه از سویی قابلیت دریافت صحیح و کامل این مواهب الهی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ و از سوی دیگر، تضمینی برای اجرای صحیح و بدون نقصان آن وجود نخواهد داشت.

۲-۳. ضرورت وجود امام در هر عصر از نگاه مفسران شیعه

مهم‌ترین شاهد قرآنی در تحلیل نزول ملائکه و روح در هر سال، کاربرد فعل مضارع «تَنْزَلُ» در آیه چهارم سوره قدر است. این تعبیر به‌روشنی دلالت بر استمرار دارد و نشان می‌دهد که شب قدر مخصوص به زمان پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و نزول قرآن مجید نبوده است؛ بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم، که در هر سال تکرار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۸۴). این استمرار نزول، به‌طور مستقیم مسئله مخاطب امر الهی را به‌میان می‌آورد. اگر نزول ملائکه و روح، تنها یک واقعه تاریخی بود، پرسش درباره مخاطب آن اهمیت چندانی نداشت؛ اما وقتی نزول مستمر و سالانه تلقی شود، ناگزیر باید پذیرفت که در هر عصر، مخاطبی زنده و بالفعل برای این

نزول وجود دارد. در غیر این صورت، استمرار نزول، به فعلی بی‌موضوع و فاقد محل تحقق تبدیل می‌شود که با حکمت الهی سازگار نیست.

برای تأیید این مدعا، افزون بر دلیل عقلی، می‌توان به روایات معصومان علیهم‌السلام نیز استناد کرد. در روایات شیعی، این محور انسانی به‌صراحت معرفی شده است. حویزی در تفسیر *نور‌التقلین* با استناد به روایاتی، آیه پانزدهم سوره غافر را با محوریت امامت تحلیل می‌کند. وی ذیل آیه «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» مصداق «مَنْ يَشَاءُ» را رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام معرفی می‌کند و «الرُّوح» را به روح‌القدس، که ویژه آنان است، تفسیر می‌کند. روایات نشان از تداوم افاضه روح و وظیفه انذار در دوران امامت دارد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۱۳). همچنین در ذیل سوره قدر، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که صاحب‌الامر در شب قدر مشغول دریافت وحی از فرشتگان است. همچنین روایتی از امام باقر علیه‌السلام حاکی از آن است که پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فرشتگان و روح امیرالمؤمنین علیه‌السلام نازل شدند و وی قادر به مشاهده آنان از بالاترین نقطه آسمان تا زمین بود.

در روایت دیگری، امام علی علیه‌السلام در صبح شب قدر با تأکید بر علم الهی خویش، از آگاهی بر تمامی وقایع یک سال آینده سخن می‌گوید که منبع آن، تنها تعلیم خداوند است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۳۳). همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که حضرت علی علیه‌السلام به ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سال است و در آن، کار یک سال نازل می‌شود و برای این کار، پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمایندگان هست. ابن عباس پرسید: آنان کدام‌اند؟ حضرت فرمود: «من و یازده فرزندم از صلب من، همه امامان محدث» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۳۰۱).

هرچند این روایات به‌خوبی ضرورت وجود امام در هر عصر را نشان می‌دهند، اما تبیین فلسفی - عرفانی نیز می‌تواند عمق این حقیقت را روشن‌تر سازد. در تبیین فلسفی - عرفانی این حقیقت چنین آمده است: این پرسش که آیا انسان کامل در تقدیر جهان و دست‌کم در سرنوشت انسان‌ها نقشی دارد، معمولاً با این تردید روبه‌رو می‌شود که چگونه موجودی کوچک می‌تواند لوح تقدیر الهی باشد. ریشه این ناباوری، ناشناختگی حقیقت انسان کامل است. در این دیدگاه، روح انسان کامل به‌منزله لوح تقدیر پروردگار عمل می‌کند؛ بدین معنا که فرایند نزول و اندازه‌گیری در همان‌جا تحقق می‌یابد. هرچند قضا و قدر الهی مرتبه‌ای فراتر در عالم علوی دارند، اما تقدیر دارای مراتب متعددی است و یکی از آن مراتب، نفس و روح و قلب انسان کامل به‌شمار می‌رود.

از همین‌رو شب قدر را «شب انسان کامل» نامیده‌اند. در شب قدر، قرآن نازل شد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر ساله آن را از آن خود داشت؛ همچنین هر امامی در هر سال، شب قدر را داراست و هیچ‌گاه زمین از انسان کامل خالی نمی‌ماند؛ بنابراین هیچ سالی از شب قدر تهی نخواهد بود و شب قدر از ماه رمضان خارج نیست. با بهره‌گیری از قرائن موجود در خود قرآن کریم، اخبار، روایات و دعاها و نیز با استدلال برهانی می‌توان دریافت که شب قدر در ماه رمضان است و شبی است که میان زمین و آسمان، میان ملک و ملکوت ارتباط برقرار می‌شود؛ چنان‌که تعبیر قرآنی بر گشوده شدن درهای

آسمان‌ها به روی زمین دلالت دارد: «وَفُتِحَتْ السَّمَاوَاتُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا» (نبا: ۱۹). اساساً طبیعت و ماورای طبیعت در آن هنگام، از راه وجود امام و در ظرف وجودی او - که هم جنبه مادی و ملکی دارد و هم جنبه ملکوتی و فراطبیعی - یکی می‌شود (مطهری، ۱۴۰۲، ج ۱۴، ص ۸۵).

از منظر فلسفی - عرفانی دیگر، این حقیقت با تأکید بیشتری بر احاطه علمی و وجودی امام تبیین شده است: مقام نورانیتی که برای پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام ثابت می‌شود، محیط و دربردارنده همه زمان‌ها و مکان‌ها، بلکه علت فاعلی همه ماسوی الله است. از این رو امام احاطه وجودی بر همه چیز دارد و نمونه و مثلی برای علم الهی به شمار می‌رود؛ چنان که خداوند متعال بر همه ماسوای خود احاطه حضوری دارد. امام نیز مظهر تام اسمای الهی بوده و علمش مظهر علم الهی است. تمام علوم مادون خود در مقام نورانیت امام به نحو بساطت جمع‌اند و حضور دارند و این غیر از علمی است که به انسان‌های عادی نسبت داده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳).

با جمع این ادله عقلی، نقلی و عرفانی می‌توان نتیجه گرفت: اساساً نزول مستمر ملائکه در شب قدر مستلزم حضور دائمی مخاطبی معصوم است که کانون دریافت و اجرای امر الهی باشد. شواهد قرآنی و روایی نشان می‌دهد که این فرایند از نبوت تا امامت امتداد می‌یابد و در هر عصری وجود امام معصوم را به عنوان شرط ضروری تحقق می‌طلبد. تحلیل فلسفی این نظام نشان می‌دهد که نزول الهی بدون مخاطب شایسته با حکمت پروردگار ناسازگار است.

۳. دیدگاه مفسران اهل سنت: تأکید بر جنبه‌های عبادی و رحمت‌محور نزول

ویژگی متمایز تفسیرهای اهل سنت در تحلیل نزول ملائکه و روح در شب قدر، گستره عمومی و رحمت‌محور این نزول است. بر خلاف رویکرد ولایی - تدبیری در تفاسیر شیعه، که بر مخاطب معصوم تمرکز دارد، تفسیر اهل سنت این رویداد ملکوتی را بیشتر عملی تشریفاتی و برکت‌آمیز در نظر می‌گیرد که همه مؤمنان عابد را دربرمی‌گیرد. در این دیدگاه، نزول فرشتگان ارتباطی با تدبیر وجودی یا نظام ویژه هدایت الهی ندارد؛ بلکه نمودی از انس خداوند با بندگان صالح، اعلان رحمت عام الهی، و تقدیر از شایستگی‌های عبادی آنان است.

در این میان، برخی مفسران اهل سنت حتی فراتر رفته و نزول روح را به جبرئیل تفسیر کرده‌اند؛ درحالی که دیگران آن را به الهامات قلبی عام یا برکات معنوی برای مؤمنان تعبیر نموده‌اند. این رویکرد با تأکید بر احادیثی که به حضور فرشتگان در محافل عبادت اشاره دارد، می‌کوشد تا نزول شب قدر را به عنوان رویدادی همگانی و همیشگی - بدون نیاز به مخاطب خاصی مانند امام معصوم - تبیین کند.

هدف از پرداختن به این دیدگاه، نه تنها بیان تفاوت‌های تفسیری میان مکاتب اسلامی است، بلکه تحلیل بنیان‌های کلامی این برداشت نیز هست؛ یعنی چرایی و چگونگی شکل‌گیری نگرشی که ابتدای نزول الهی بر رحمت عمومی و رفتار عبادی فردی مؤمنان را به جای نظام ولایی و امامت پیش می‌نهد. این بررسی می‌تواند به درک عمیق‌تر زمینه‌های اختلاف میان دو مکتب در مسئله شب قدر بینجامد.

۳-۱. تفسیر نزول به عنوان رویدادی تشریفاتی و رحمت محور

تفاسیر اهل سنت با محوریت قرار دادن جنبه های عمومی نزول، بر سلام و برکت رسانی به عموم مؤمنان عبادتگر و نمازگزار تأکید می کنند. در این نگاه، مخاطب نزول، جمعی از بندگان مشغول به طاعت اند و نه فردی با شئون ویژه ولایی. آنان معتقدند که فرشتگان هیچ مکانی از زمین را ترک نمی کنند، مگر آنکه بر هر نمازگزار و سجده کننده ای سلام می فرستند و برای ایشان آموزش می طلبند. از این رو فرشتگان به زمین می آیند تا نمونه های بی نظیری از عبادت را ببینند که در آسمان ها ماندنی ندارند؛ مانند ثروتمندان بخشنده، توبه کنندگان اشکریز و عابدان شب زنده دار (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳۳-۲۳۵). این نزول بر مؤمنان، عمومیت دارد و فرشتگان هیچ مرد یا زن مؤمنی را در آن شب مشاهده نمی کنند، مگر آنکه به او سلام می گویند؛ به گونه ای که این شب به دلیل فراوانی سلام های فرشتگان، سراسر «سلام» نامیده می شود (زمخشری، ۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۸۱) و همراه با سلام، درود، برکت و اجرای امور خیر الهی است و در حقیقت، بشارتی برای روزه داران رمضان و شب زنده داران قدر به شمار می رود. فرشتگان به پاس صبر و عبادت مؤمنان، بر آنان وارد می شوند و سلام می گویند. نزول آنان به زمین نیز به سبب برکت هایی است که سراسر این شب را فرامی گیرد و عبادت کنندگان را در برمی گیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۴۰۶-۴۱۰).

در تفسیر *حلائق الروح والریحان* نیز همین رویکرد به صورت دیگری تفسیر شده است و آن اینکه نزول ملائکه، از عالم خود تا تجلی بر دیدگان پیامبر ﷺ صورت می پذیرد و «روح» همان جبرئیل است که وحی را ابلاغ می کند. این تجلی بر نفس کامل، با اذن پروردگار و پس از آماده سازی برای پذیرش آن تحقق می یابد تا آنچه خیر و برکت برای بندگان است، ابلاغ کند. در این دیدگاه، نزول فرشتگان به زمین از شئون الهی شمرده می شود و از جست و جوی چگونگی و جزئیات آن خودداری می گردد. خلاصه آنکه این شب، عید مسلمانان به سبب نزول قرآن و شب شکرگزاری بر آن نعمت است و فرشتگان در آن مشارکت می کنند. در تفسیر آیه «سَلَامٌ هِيَ» نیز تأکید شده است که شب قدر جز سلامتی و خیر نیست و هیچ شر و آسیبی در آن رخ نمی دهد. به نقل از شعبی، این آیه به معنای سلام فرشتگان بر اهل مساجد و مؤمنان از هنگام غروب تا طلوع فجر است که بر هر مؤمنی عبور می کنند و می گویند: «السلام علیک ایها المؤمن». در حدیثی نیز آمده است که جبرئیل هر شب قدر با گروهی از فرشتگان فرود می آید و بر هر بنده ای که خدا را یاد کند، درود می فرستد. همچنین از عطا نقل شده است که منظور، سلام بر اولیای خدا و اهل طاعت است (هرری، بی تا، ج ۳۲، ص ۱۹۳).

به این ترتیب، نزول ملائکه به مثابه نظامی از پادشاهای الهی است که با عبادات مؤمنان ارتباطی تنگاتنگ دارد. این دیدگاه با تأکید بر جنبه تشویقی نزول، الگویی مشارکتی ارائه می دهد که در آن هر مؤمن متناسب با سطح معنوی خود می تواند از فیض این نزول بهره مند شود. این رویکرد با حذف سلسله مراتب در دریافت نزول، آن را به عملکرد فردی مؤمنان و میزان تقریبشان به پروردگار پیوند می زند.

۳-۲. حقیقت «روح» و محدوده مخاطبان آن در تفاسیر اهل سنت

روح در آیات «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر: ۴)، «يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (نحل: ۲) و «رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر: ۱۵)، همان پیام الهی توحید و انذار «أَنْ أَتَذَرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» است که فرشتگان آن را نازل می کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۷۱) یا روح به صورت استعاری اشاره به وحی دارد که فرمان الهی به خیر و برانگیزاننده به سوی آن است و دل های مرده از جهل را زنده می کند یا منظور، پیامبر است یا خود فرشته وحی مراد است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۳؛ ج ۴، ص ۱۵۶). از دیدگاه آلوسی، روح از نظر مشهور اهل سنت، جبرئیل علیه السلام است؛ اما اقوال دیگری مانند یک فرشته عظیم، گروهی خاص از فرشتگان یا حتی عیسی علیه السلام نیز نقل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۴۱۷) و این روح همچون جان در کالبد انسان، به دل های مرده از جهل حیات می بخشد یا قوام بخش دین است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ ج ۱۲، ص ۳۰۹).

مخاطب روح طبق نظر این تفاسیر، استعاره از وحی بوده که شامل رسول الهی و پیامبران برگزیده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۵۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۹۸) که وحی را دریافت و ابلاغ کرده، مردم را به سوی حق هدایت می کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۷۸) و به تعبیر دیگر، القای روح فرایندی پیوسته از دوران حضرت آدم علیه السلام تا پایان نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تلقی شده و تداوم آن تا قیامت از طریق دعوت کنندگان به دین قابل تصور است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۰۹). این معنا گواه آن است که نبوت، موهبت و انتخاب الهی است و بر پایه شایستگی اکتسابی نیست؛ دیدگاهی که در برابر نظریه کسب نبوت قرار می گیرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۳۶). البته فخر رازی در تفسیر آیه چهار سورة قدر، بدون نام بردن از شخص خاصی، چند ویژگی آن مخاطب را مشخص می کند: روح و فرشتگان بر کسانی فرود می آیند که چهره های نورانی از معرفت و بندگی خدا در روح خود ساخته اند و این صفات، سبب مهرورزی و توجه ملائکه به آنان می شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳۳).

بنابراین، تحلیل آرای اهل سنت نشان می دهد که روح در این آیات، بیشتر به یکی از این معانی تفسیر شده است: جبرئیل به عنوان فرشته وحی؛ ذات وحی الهی؛ و نیروی حیات بخش معنوی که دین را قوام می بخشد. مخاطب نزول هم در سه سطح قابل فهم است: انبیای الهی به عنوان دریافت کنندگان اصلی وحی؛ مصلحان دینی به عنوان ادامه دهندگان راه نبوت؛ و عابدان شایسته ای که روح بندگی در آنها تجلی یافته است.

این تفسیرهای چندلایه نشانگر کثرت گرایی معنایی در برداشت از روح است؛ بدون آنکه ضرورتی به تعیین مخاطب معصوم در هر عصر احساس شود. برخلاف نگاه شیعی، که روح را امر الهی مستقل می داند، این دیدگاه بیشتر بر کارکرد رسانگی و حیات بخشی روح تأکید دارد.

۳-۳. نگاه اهل سنت: امکان فهم نزول بدون مخاطب فردی معصوم

برای تبیین دیدگاه اهل سنت در مسئله عدم نیاز به مخاطب خاص در شب قدر، می‌توان به تفسیر فخر رازی ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) اشاره کرد. وی معتقد است که خداوند مؤمنان را به همراهی با صادقان فرمان داده است؛ از این رو افرادی که جایز الخطایند باید به فرد معصومی اقتدا کنند تا در پرتو او از خطا مصون بمانند. به باور او، این معنا در هر زمانی جاری است و دلیلی بر اختصاص آن به عصر پیامبر ﷺ وجود ندارد. باین حال فخر رازی در ادامه، مصداق این «معصوم» را نه یک فرد، بلکه مجموع امت می‌داند و بر این اساس، آیه را دلیلی بر حجیت اجماع مؤمنان و عدم خطای جمعی امت تلقی می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

این دیدگاه از سوی برخی مفسران شیعه مورد نقد قرار گرفته است. در دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، اگر «صادقان» به کل امت تعمیم داده شود، در این صورت «پیروان» نیز جزئی از همین مجموعه به‌شمار می‌آیند که به وحدت غیرمنطقی «پیرو» و «پیشوا» می‌انجامد؛ درحالی‌که سیاق آیه بر تمایز این دو گروه دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۳). از دیدگاه تفسیر تسنیم نیز هرچند همراهی با صادقان واجب است، اما این وجوب مستلزم حجیت اجماع نیست؛ زیرا امتناع اجتماع بر باطل به دو شکل محقق می‌شود: یا با اجماع کامل بر حق یا با تفرق جامعه به صادقان و کاذبان. در هر دو حالت، تکلیف شرعی مؤمن همراهی با صادقان است، نه لزوماً حصول اجماع کلی. بنابراین از این منظر، معیار حجیت، وجود گروه صادق است، نه تحقق اجماع (جواد آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۴۵۴-۴۵۵).

تفاسیر اهل سنت در تفسیر آیه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد: ۴۳)، مصادیق گوناگونی را برای «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ذکر کرده‌اند: از جمله عبدالله بن سلام، سلمان فارسی، تمیم داری، خود قرآن، کتاب انجیل و تورات، و حتی خداوند. در برخی موارد، با ذکر عبارت «قُلْ» به نقل اقوال مختلف پرداخته و از قطعیت در تعیین مصداق واحد خودداری شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۵۵۴-۵۵۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۶۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۲۱۲).

۳-۴. بررسی انسجام درونی رویکرد عبادی - برکتی در چهارچوب مبانی اهل سنت

مطالعه دیدگاه مفسران اهل سنت درباره نزول ملائکه و روح در شب قدر نشان می‌دهد که این رویکرد، در چهارچوب درون‌دینی خود، از انسجام نسبی برخوردار است. با تأکید بر اصل ختم نبوت، کفایت شریعت و محوریت هدایت تشریعی، بسیاری از مفسران اهل سنت نزول شب قدر را نه فرایندی تدبیری در نظام تکوین، بلکه جلوه‌ای از رحمت عام الهی، تشویق بندگان به عبادت و تقویت ایمان فردی تفسیر کرده‌اند. در این منظومه معرفتی، گرچه بر ضرورت وجود «مرجع صادق» در همه اعصار تأکید می‌شود، اما این مرجع لزوماً به‌صورت یک فرد معصوم و مشخص تعریف نمی‌شود؛ بلکه نظریه‌هایی همچون عدالت صحابه و حجیت اجماع امت نقش جایگزین عصمت فردی را ایفا می‌کنند.

از این منظر، عمومیت نزول ملائکه و تفسیر «روح» به جبرئیل، وحی یا نیروی حیات بخش دین، با فهمی جمع محور از هدایت و مسئولیت دینی مؤمنان سازگار تلقی می شود.

با این حال همین چهارچوب در مرحله تطبیق مصداقی با چالش هایی مواجه است. مفسران اهل سنت، هرچند بر وجود صادقان در همه اعصار تأکید دارند، در تعیین مصداق عینی آنان دچار تردید و پراکندگی آرا شده اند. نظریه اجماع به عنوان راهکار جایگزین عصمت فردی، از یک سو به همسان انگاری چالش برانگیز میان تابع و متبوع می انجامد؛ در حالی که سیاق آیات، به ویژه آیه «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»، بر تمایز روشن میان پیروان و پیشوایان دلالت دارد؛ از سوی دیگر تحقق اجماع کلی، نه ضرورتی منطقی دارد و نه مزیتی معرفتی نسبت به تفرق جامعه به حق و باطل ایجاد می کند.

افزون بر این، اختلاف مفسران در تعیین مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» نشان می دهد که این رویکرد، به رغم انسجام در سطح مبانی کلی، در ارائه تفسیری یکپارچه و مصداق محور از مسئله مخاطب نزول با چالش هایی در تطبیق مصداقی روبه روست. این چالش ها زمینه ورود به تحلیل تطبیقی دو رویکرد تفسیری شیعه و اهل سنت را فراهم می سازد.

۴. تحلیل تطبیقی دو رویکرد تفسیری در مسئله نزول ملائکه و روح

پس از تبیین دو الگوی تفسیری در بخش های پیشین، اکنون با نگاهی تطبیقی، ساختار، مبانی و پیامدهای این دو نگرش را در قالب سه محور اصلی بررسی می کنیم.

۴-۱. رویکرد قائم به شخص (تأکید بر امام معصوم در تفاسیر شیعه)

این دیدگاه که در تفاسیر شیعی به چشم می خورد، بر چند اصل اساسی استوار است:

۴-۱-۱. مبانی کلامی

- اعتقاد به ضرورت استمرار وجود انسان کامل در هر عصر به عنوان خلیفه الهی (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۳۲۵-۳۴۰؛ طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۳۳۲)؛

- باور به نقش تکوینی امام در نظام هستی (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳؛ مطهری، ۱۴۰۲، ج ۱۴، ص ۸۵)؛
- پذیرش اصل عصمت به عنوان شرط اساسی دریافت و اجرای امر الهی (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۱، ص ۱۶۲؛ فاریاب، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴).

۴-۱-۲. ویژگی های تفسیری

- تفسیر «أمر» در آیه به معنای تقدیرات و امور تکوینی (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۳۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۸۴)؛

- فهم فعل «تَنَزَّلُ» به استمرار حقیقی در همه اعصار (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۱۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۸۴)؛

- اعتقاد به نیازمندی نزول به مخاطبی دارای شئون ولایی (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۱۶۱-۱۶۴).

۴-۱-۳. دلایل قرآنی

- استناد به آیات امامت و ولایت، از جمله آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)، که

«صادقان» را تنها اهل بیت علیهم السلام می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۴۵۰)؛

- استفاده از سیاق سوره قدر که بر عظمت و تأثیرگذاری نزول تأکید دارد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۳۳؛

قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۳۰۱)؛

- تطبیق نزول بر اهل بیت علیهم السلام با استناد به روایات متواتر (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۹؛ ج ۴، ص ۵۱۳)؛

- بهره‌گیری از احادیث دال بر واسطه‌گری فیض و ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام، مانند حدیث «لَوْلَا نَا مَا عُبِدَ اللَّهُ»،

که نشان می‌دهد عبادت و نظام توحیدی بدون وجود آنان تحقق نمی‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۲۶۰).

۴-۲. رویکرد قائم به جمع (تأکید بر عموم مؤمنان در تفاسیر اهل سنت)

این دیدگاه که بیشتر در تفاسیر اهل سنت دیده می‌شود، دارای این خصوصیات است:

۴-۲-۱. مبانی کلامی

- ایمان به کفایت رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بدون نیاز به وصی معصوم (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۴۰۶-۴۱۰)؛

- قبول نظریه عدالت صحابه و اجماع امت (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶)؛

- اعتقاد به امکان دستیابی به حق از طریق اجتهاد جمعی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق،

ج ۷، ص ۳۳۶-۳۳۸).

۴-۲-۲. ویژگی‌های تفسیری

- تفسیر «أمر» به معنای برکات و مواهب معنوی (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۸۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲،

ص ۲۳۳-۲۳۵)؛

- فهم نزول به صورت عمومی و غیرمختص به فرد خاص (هرری، بی‌تا، ج ۳۲، ص ۱۹۳)؛

- تأکید بر جنبه تشویقی و تربیتی نزول ملائکه (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۴۰۸-۴۱۰).

۴-۲-۳. دلایل قرآنی

- استناد به آیاتی که بر مسئولیت جمعی امت تأکید دارند؛ مانند آیه «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» با تفسیر مجموع امت

به عنوان صادقان (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶)؛

- استفاده از عمومات آیات مربوط به پاداش الهی؛ مانند «سَلَامٌ هِيَ» (قدر: ۵)، که نشان از سلام فرشتگان بر همه مؤمنان دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۸۱)؛
- توجه به ظواهر آیات بدون تأویل آنها به افراد خاص (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۴۱۷).

۴-۳. ریشه‌های کلامی اختلاف

این دو دیدگاه از پنج منظر اساسی با هم تفاوت دارند:

۴-۳-۱. در باب امامت

- قائم به شخص: امامت منصبی الهی و استمراردهنده مسیر نبوت تلقی می‌شود که با نص و عصمت همراه است (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۴۳۸؛ جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۳۲۵)؛
- قائم به جمع: امامت عهدی اجتماعی و انتخابی شمرده می‌شود که از طریق بیعت و اجماع شکل می‌گیرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

۴-۳-۲. در باب معرفت دینی

- قائم به شخص: علم لدنی و نقش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان منبع اصلی فهم دین مطرح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۴۵، ص ۳۷۱-۳۷۵)؛
- قائم به جمع: اجتهاد جمعی و کاربست عقل در استنباط احکام و معارف دینی جایگاه محوری دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۳۶).

۴-۳-۳. در باب هدایت الهی

- قائم به شخص: در نظام ولایی - تدبیری، هدایت الهی فعالانه و تکوینی است؛ یعنی خداوند از طریق واسطه‌های معصوم، امور عالم را تدبیر می‌کند (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۳۳۲؛ مطهری، ۱۴۰۲، ج ۱۴، ص ۸۵)؛
- قائم به جمع: در نظام عبادی - برکتی، هدایت، بیشتر جنبه تشریعی و انفعالی دارد؛ یعنی خداوند راه را نشان می‌دهد و انسان با اختیار خود، آن را می‌پیماید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۷۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۳).

۴-۳-۴. در باب سنت تاریخی

- قائم به شخص: بر وجود دائمی انسان کامل در هر عصر تأکید دارد تا حجت الهی پیوسته برقرار باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳؛ خویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۳۳)؛
- قائم به جمع: تعدد مراجع و تکرار راه‌های هدایت را کافی می‌داند و نیازی به وجود فردی معصوم در هر زمان احساس نمی‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۵۵۵-۵۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۶۵).

۴-۳-۵. در باب نظام هستی

- قائم به شخص: عالم دارای نظم طولی است و فیض الهی از طریق واسطه‌ای به نام «انسان کامل» به مراتب پایین‌تر می‌رسد (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۱۶۱-۱۶۴)؛
- قائم به جمع: نظم هستی به صورت عرضی تصویر می‌شود و هر موجودی می‌تواند بدون واسطه تکوینی با خداوند ارتباط برقرار کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳۳).

۴-۴. تحلیل ساختاری دو نظام تفسیری

برای درک عمیق‌تر تفاوت دو رویکرد، باید ساختار درونی هر یک را نه به صورت مجزا، بلکه در نسبت با مؤلفه‌های دیگر آن نظام بررسی کرد. آنچه دو نظام را از هم متمایز می‌سازد، زنجیره‌ای از باورهای به هم پیوسته است که از ماهیت نزول آغاز و به غایت آن ختم می‌شود.

۴-۴-۱. نظام ولایی - تدبیری (شیعه)

الف) ساختار عمودی

در این نظام، نزول به صورت سلسله‌مراتبی از خداوند به ملائکه و روح، سپس به امام معصوم و در نهایت به عالم خاکی جریان می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۳۳۳). این ساختار عمودی، نه یک قرارداد تشریفاتی، بلکه بازتاب نیاز ذاتی عالم به واسطه فیض است؛ زیرا بدون حضور انسان کامل به عنوان قطب هستی، نظام تکوین از تدبیر الهی بی‌بهره می‌ماند (جوادی آملی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۳۲۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳).

ب) کارکرد مدیریتی

از آنجاکه نزول در این الگو حامل «أمر» الهی به معنای مقدرات سالانه است، کارکرد آن تنظیم امور عالم و تقدیر حوادث خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۸۴). به عبارت دیگر، شب قدر فصل دریافت برنامه اجرایی جهان توسط امام است و فرشتگان برای تحویل این برنامه، نه صرفاً برای تبریک و سلام، نازل می‌شوند.

ج) مخاطب ثابت و معین

این کارکرد مدیریتی مستلزم وجود مخاطبی است که هم ظرفیت دریافت این برنامه کلان را داشته باشد و هم قدرت اجرا و تحقق آن را. از این رو مخاطب نمی‌تواند متغیر یا عمومی باشد؛ بلکه باید فردی معصوم و زنده باشد که در هر عصر این مسئولیت را بر عهده گیرد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۳۳؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۳۰۱).

د) غایت هستی‌شناختی

غایت نهایی این نظام، جاری شدن امر تکوینی الهی در سراسر عالم و حفظ نظم هستی است. بنابراین شب قدر، نه یک رویداد صرفاً معنوی برای افراد، بلکه نقطه اتصال ملکوت به زمین و تجلی ربوبیت تکوینی خداوند از مجرای انسان کامل به شمار می‌رود (مطهری، ۱۴۰۲، ج ۱۴، ص ۸۵).

هـ) مبانی کلامی

در پس این ساختار، مجموعه‌ای از باورهای کلامی قرار دارد؛ امامت به‌عنوان استمرار نبوت؛ عصمت به‌عنوان شرط دریافت و اجرای امر الهی؛ و علم لدنی به‌عنوان منبع معرفت یقینی به تقدیرات (فاریاب، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۴۵۰).

۲-۴. نظام عبادی - برکتی (اهل سنت)

الف) ساختار افقی

در این نظام، رابطه‌ی خداوند با مؤمنان به‌صورت مستقیم‌تر و بدون واسطه‌ی تکوینی معصوم ترسیم می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳۳-۲۳۵). نزول فرشتگان، نه برای تحویل برنامه‌ی تدبیر عالم، بلکه برای افاضه‌ی رحمت و برکت بر همه‌ی مؤمنان است. بنابراین، ساختار افقی بودن بدین معناست که هر مؤمنی می‌تواند به‌طور مساوی از این نزول بهره‌مند شود.

ب) کارکرد تشویقی - تربیتی

با توجه به اینکه شریعت کامل شده و راه هدایت تشریعی روشن است، نزول در شب قدر کارکردی تشویقی و تربیتی پیدا می‌کند؛ یعنی فرشتگان برای دیدن عبادت شب‌زنده‌داران، سلام بر آنها و طلب آموزش برای ایشان فرود می‌آیند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۴۰۶-۴۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۸۱). این نزول، پاداشی بر ایمان و عمل صالح است، نه عاملی برای تدبیر عالم.

ج) مخاطب عمومی و متغیر

از آنجاکه کارکرد نزول، تشویق است، مخاطب آن هر مؤمن عابد و شب‌زنده‌داری خواهد بود که با تقوای خود شایسته‌ی این برکت شده است. بنابراین، مخاطب ثابت و منحصر به فردی وجود ندارد و این فیض، بسته به میزان عبادت افراد، شامل حال آنها می‌شود (هرری، بی‌تا، ج ۳۲، ص ۱۹۳).

د) غایت تربیتی

هدف نهایی این نزول، تقویت ایمان، تهذیب نفس و افزایش انگیزه‌ی عبادت در میان امت است؛ نه تنظیم نظام تکوین. از این منظر، شب قدر فرصتی برای بهره‌گیری معنوی فردی و جمعی است و ارزش آن در تأثیرگذاری بر رفتار دینی مؤمنان خلاصه می‌شود.

هـ) مبانی کلامی

این ساختار بر باورهایی چون ختم نبوت، عدالت صحابه به‌عنوان الگوی عملی، و حجیت اجماع امت به‌عنوان مرجع تشخیص حق، استوار است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). مقایسه‌ی این دو ساختار نشان می‌دهد که تفاوت در هندسه‌ی نزول (عمودی در برابر افقی)، مستقیماً از تفاوت در

کارکرد نزول (مدیریتی در برابر تشویقی) نشست می‌گیرد و آن نیز از تفاوت در مبانی کلامی (امامت و عصمت در برابر ختم نبوت و اجماع) ریشه می‌گیرد. بنابراین، اختلاف در تعیین «مخاطب نزول»، نه یک اختلاف سطحی تفسیری، بلکه انعکاسی از دو نظام هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی متفاوت است.

جدول تطبیقی

مؤلفه مقایسه	نظام ولایی - تدبیری (شیعه)	نظام عبادی - برکتی (اهل سنت)
ماهیت نزول	تدبیر تکوینی عالم و مدیریت مقدرات	افاضه برکات معنوی و تشویق عبادت
مخاطب اصلی	فرد معصوم (امام زمان علیه السلام)	عموم مؤمنان عابد و شب‌زنده‌دار
هدف نزول	تنظیم مقدرات سالانه و هدایت تکوینی	تربیت نفوس و تقویت ایمان
سازوکار نزول	واسطه‌گرایی ولایی	ارتباط مسقیم‌تر بدون واسطه تکوینی
زمانمندی	استمرار حقیقی تا قیامت	تاکید بر ختم نبوت و آثار باقی شریعت
مکانمندی	متمرکز بر شخص معصوم	گسترده در زمین و شامل هر مکان عبادت
مبانی کلامی	امامت، عصمت، علم لدنی	ختم نبوت، عدالت صحابه و اجماع امت
تفسیر امر	تقدیرات تکوینی	خیرات و برکات معنوی
تفسیر روح	موجودی مستقل از ملانکه از سنخ امر ربی	جبرئیل یا وحی یا نیروی حیات‌بخش دین
نقش امام	قطب نظام هستی و مجرای فیض	مرجع اجتهادی و الگوی عملی بدون نقش تکوینی
معیار شایستگی	عصمت ذاتی و صداقت مطلق	عبادت و تقوای اکتسابی
آثار عملی	ضرورت اعتقاد به امام زنده	تشویق به عبادت فردی و مسئولیت جمعی
ارتباط با آیات	پیوند با آیات ولایت	پیوند با آیات عام رحمت و یاداش مؤمنان
نظام معرفتی	معرفت از طریق امام معصوم	معرفت از طریق اجتهاد جمعی
الگوی هدایت	الگوی فعال از طریق واسطه معصوم	هدایت تشریعی از طریق قرآن و سنت
ساختار مرجعیت	قائم به شخص	قائم به جمع

بررسی تطبیقی این دو رویکرد نشان می‌دهد که اختلافات تفسیری درباره نزول ملانکه و روح، فراتر از تفاوت لفظی است و ریشه در اختلاف مبانی کلامی، اصول تفسیر و نظام‌های فکری شیعه و اهل سنت دارد. روشن‌سازی این اختلافات می‌تواند بستر تحقیقات تطبیقی عمیق‌تر و منظم‌تر را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر مسئله «مخاطب نزول ملانکه و روح در شب قدر» و با اتخاذ رویکردی تطبیقی میان تفاسیر شیعی و سنی به این جمع‌بندی کلیدی دست یافت که اختلاف در تعیین مصداق این مخاطب، ریشه در تفاوت‌های بنیادین در الهیات نظام‌مند هر یک از دو مکتب دارد. بر اساس یافته‌ها، دو الگوی متمایز «ولایی - تدبیری» در تفسیر شیعه و «عبادی - برکتی» در تفسیر اهل سنت، نه تنها دو گونه برداشت از یک آیه، که دو نگرش ساختاری متفاوت به چگونگی ارتباط خداوند با عالم، نحوه جریان فیض الهی و سازوکار هدایت تکوینی و تشریعی را نمایندگی می‌کنند.

در الگوی نخست، «نزول» فرایندی غایتمند، طولی و مدیریت‌شده است که وجود «شخص معصوم» به‌عنوان

قطب نظام هستی و مجرای فیض را ضروری می‌سازد. این دیدگاه، که بر مبانی امامت، عصمت و علم لدنی استوار است، شب قدر را صحنه‌ای از تدبیر امور عالم و نقطه پیوند دائم ملکوت با زمین از طریق حجت خدا می‌داند. در مقابل، الگوی دوم با تأکید بر ختم نبوت و کفایت مرجعیت جمعی امت، نزول را رویدادی عرضی، رحمت‌محور و دارای کارکردی تشویقی - تربیتی برای «عموم مؤمنان» تفسیر می‌کند. در این نگاه، سازوکار هدایت، بیشتر بر محور کتاب و سنت و اجتهاد جمعی می‌چرخد و نیازی به واسطه تکوینی معصوم در هر عصر احساس نمی‌شود.

این مطالعه نشان داد که مفاهیم محوری آیه، همچون «أمر» و «روح»، در دل هر یک از این دو الگو معانی متفاوتی به خود می‌گیرند؛ از تقدیرات تکوینی و وجودی مجرد گرفته تا برکات معنوی و نیروی حیات‌بخش دین. بدین ترتیب، پاسخ به پرسش درباره «مخاطب»، در گرو پذیرش کلان‌روایتی است که هر مکتب درباره نظام جهان، تاریخ و هدایت ارائه می‌دهد.

در نهایت، این پژوهش فراتر از تبیین یک اختلاف تفسیری بر این امر تأکید دارد که فهم دقیق و منصفانه متون دینی مشترک، نیازمند شناخت پیش‌فرض‌های کلامی و هستی‌شناختی مفسران است. روش تطبیقی به کار گرفته شده، امکان درک «منطق درونی» هر دیدگاه و چرایی شکل‌گیری نتایج به‌ظاهر متعارض را فراهم می‌آورد. این رویکرد می‌تواند الگویی برای بررسی سایر موضوعات اختلافی در مطالعات اسلامی قرار گیرد و گفت‌وگو بین مذہبی را از سطح مناقشات مصداقی به عمق مبانی معرفتی سوق دهد.

برای پژوهش‌های بعدی و به‌منظور درک تحولات درونی این دیدگاه‌ها پیشنهاد می‌شود به بررسی سیر تطور تاریخی هر یک از دو الگوی تفسیری در آثاری از قرون مختلف پرداخته شود. همچنین تحلیل پیامدهای عملی و اجتماعی هر یک از این دو الگو در نگرش مؤمنان به مقوله‌هایی مانند زمان، تقدیر، مرجعیت دینی و انتظار فرج، مورد توجه قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمودین عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر من التفسیر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- تجری، محمدعلی و رحیمی‌پور، طاهره (۱۴۰۳). گستره زمانی و محل نزول ملائکه و روح در شب قدر در تفاسیر فریقین. نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۱۵(۵۷)، ۶۸-۴۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۳). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف. بیروت: دار الکتب العربی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۳). التفسیر الموضوعی الفرقان. قم: شکرانه.
- صادقی، حسن (۱۴۰۲). نقد مقاله بررسی دلالت آیه اطیعوا بر عصمت، قرآن‌شناخت، ۱۶(۳۰)، ۷۹-۹۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فاریاب، محمدحسین (۱۴۰۱). تحلیل چگونگی اعطای عصمت از جانب خدا به پیامبران و امامان بر مبنای آیات و روایات. معرفت کلامی، ۱۳(۲۸)، ۱۲۷-۱۴۰.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قمرزاده، محسن و شفیعی، منصوره (۱۴۰۱). واکاوی مصداق سوره قدر در روایات تفسیری فریقین. مطالعات میان‌رشته‌ای تفسیر، ۴(۶)، ۱۲۷-۱۵۴.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). معارف قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). آشنایی با قرآن. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مؤیدی، علی (۱۳۹۷). استمرار حجت حی از منظر قرآن. مطالعات مهلوی، ۹(۴۲)، ۱-۳۱.
- هرری، محمدامین بن عبدالله (بی تا). تفسیر حقائق الروح والریحان فی روای علوم القرآن. لبنان: دار طوق النجاة.